



صادق پیوسته

مدرس دانشگاه و پژوهشگر

عقیل ملکی‌فر

بیان‌گذار اندیشکده آصف

گزارش حاضر، نتیجه‌ی مطالعات و جلسات نخبگانی انجام‌شده در اندیشکده‌ی آصف است و نویسندگان، تسهیل‌گران این روند و گردآورندگان نتایج آن هستند. مطالعات و جلسات، به‌منظور اندیشه‌ورزی چندرشته‌ای برای یافتن روش دیدبانی کارکرد دولت (متمرکز بر حکومت‌گری آن) در جمهوری اسلامی ایران برپا شد. در فاز نخست، مسایل عمده‌ی کشور برشمرده شد با این ملاحظه که در آینده پدید آیند یا ناپدید می‌شوند و نقش جدی داشته باشند و پرسش اساسی این بود که چگونه می‌توان چشم‌اندازی نو آفرید و به جای چالش با مسایل، با دگرگونی گفتمان مسأله‌یابی، به آینده‌ی بدون این مسایل اندیشید!

در فاز دوم، مسیلتی از مشکلات (مسایل بحران‌ساز) در افق آینده‌ی میان‌مدت گردآوری شد. سپس، در میزگردهایی بر پایه‌ی گفت‌وگوی اقناعی، بر مهم‌ترین مشکلات در حوزه‌های مختلف، توافق حاصل آمد. در فاز سوم، گفت‌وگوهایی صورت گرفت تا ارتباطی مشکلات و راه‌حل‌های ممکن، آشکار گردد. سرانجام کوشش شد که پرسش‌ها عوض شوند و نه پاسخ‌ها یعنی عامل مهم در شکست خوردن سیاست‌های مختلف پیدا شود. فشرده‌ترین خلاصه‌سازی از نتایج نهایی چنین بود: دولت باید روشن باشد! دولت در دوره‌های محبوبیت، به کمک روابط مؤثر جهانی و چشم‌انداز روشن همگانی یعنی امید مردم به آینده و احساس مشارکت آنان در فردای روشن، مسایل را حل کرده است. در این راه، اطلاعات شفاهی در اختیار مردم بوده است.

مطالعه‌ی تطبیقی اجمالی نیز که با برخی کشورهای دیگر صورت گرفت، بر همین یافته‌ی تاریخی در جمهوری اسلامی ایران صحنه گذاشت. با این حال، نکته‌ی مهم‌تر این بود که محبوبیت دولت، محصول امور محبوبیت‌زای کوتاه‌مدت متعدد است و یک‌باره پدید نمی‌آید و با رخدادهایی در طول زمان مرتبط است اما به‌سادگی در یک یا چند رخداد، تضعیف می‌شود. مشکل مهم‌تر نبود توافق بر چیستی محبوبیت دولت و سوگیری سیاسی در تفسیر آن است. سرانجام، محبوبیت در مدلی ساده تشریح گردید و طرح مفهومی سامانه‌ای برای سنجش آن پیشنهاد شد تا بتوان محبوبیت دولت را در دوره‌ها و سال‌های مختلف بر اساس امار و ارقام و دور از تفاسیر و سوگیری‌های گروهی سنجید. نوشتار حاضر، شامل فشرده‌ای از چیستی این مدل و سامانه‌ی دیدبانی آن است. در این مدل، نه علت‌ها و روش‌های ایجاد دولت محبوب بلکه تنها سنجش میزان ادراک محبوبیت دولت بررسی می‌شود.

۱. محبوبیت چیست؟

کرد و حاکمان ادواری هم برای دوباره رأی گرفتن از آنان، خواسته و ناخواسته، خواست مردم را در تصمیم‌گیری جاری می‌کنند. رویکرد سوم می‌گوید عامه‌ی مردم هیچگاه خردورزانه رفتار نمی‌کنند. خردورزان، بخشی محدود از جامعه هستند. مردم اسیر احساسات هستند و تنها راهی که ناگزیر، هر حکومتی با هر شعاری در پیش می‌گیرد، برآمدن جمعی نخبه از میان مردم است که عوام را به گونه‌ای مثلا به سودای داشتن نمایندگی می‌فربد. حاکمان هر قصد و هدفی داشته باشند، باید که چنین کنند تا اکثریت مردم را خشنود از وضع موجود و اقلیت ناراضی را ترسان از شورش علیه آن نگه دارند. تنها در این صورت است که تداوم حکومت و اجرای برنامه‌های آن ممکن می‌شود. چه هدف آنان خیر و صلاح مردم باشد و چه سوءاستفاده، روش حکومت همین روبه را دارد.

ما وارون هر سه دیدگاه کلی گفته‌شده می‌نگریم. دلیل این وارونه‌نگری، ناکامی مدل‌ها و همه‌ی نظریه‌هایی است که می‌خواهند از یک راز به محبوبیت برسند و فراموش می‌کنند که محبوبیت، نه مقصد رازآلود نهایی بلکه تنفس جان حکومت است. محبوبیت چیزی نیست که بخواهیم به آن برسیم. محبوبیت، حاضر است. محبوبیت، باید مجموعه‌ی گزاره‌های جدی و عملگرده حاکمان و مردم باشد. محبوبیت باید در گفتارهای روزمره‌ی مردم جاری باشد. محبوبیت، غایبی نیست که در انتظار رسیدن به آن باشیم، حضوری است که پرورده و پرورده‌تر می‌شود. با این نگاه، نخست باید در نظر داشت که محبوبیت، ضرورت است.

هر جا جامعه با نظام سیاسی همراه باشد، کشور از گردنه‌های هراسناک حوادث طبیعی، فجاج انسانی، جنگ و هر رخداد مخاطره‌آمیزی به سلامت خواهد گذشت. الگوهای مختلفی از این همراه‌سازی سخن می‌گویند. آنان از فطرت انسانی و حکومت پیامبرانه حرف می‌زنند، از کارایی دولت و ارتباط آن با جامعه‌ی مدنی می‌گویند یا از شیوه‌های مردم‌فروبی و حاکمان مردم‌انگیز تاریخ روایتی دارند. هر کدام از این سه رویکرد، می‌خواهند راز محبوب‌شدن حکومت را آشکار سازند.

رویکردی هست که اگر فطرت خداجوی مردم، نشان حاکمیت الهی را دریابد، مجذوب خواهد شد. مجذوب شدن مردم در نمادی الهی، راه به سوی مقصدی الهی را هموار می‌کند و اگر مردم به مقصدی الهی رهسپار باشند، درهای رحمت الهی بر آنان گشوده خواهد شد. رویکردی دیگری می‌گوید اگر نیازهای جمعیت انسانی برآورده شود و هیأت حاکم به‌طور متناوب تغییر کند، علتی برای اندیشیدن به نظام حکومتی نو بای نمی‌ماند و همه می‌کوشند راه و روش خود را برای رسیدن به جامعه‌ی بهتر، با رأی گرفتن از مردم بیازمایند؛ پس احساس بی‌تأثیری در سرنوشت مقدر، از میان می‌رود و مشارکت مردم هر روز، هوشمندانه‌تر و سرانجام نتیجه‌بخش خواهد شد. مردم نمی‌اندیشند که چه کسی نجات‌بخش است بلکه در گروه‌های مختلف می‌اندیشند چگونه باید حکومت

عدم شفافیت نامیدی

حکومت بدون محبوبیت، در عمل، مرده‌ای متحرک است. اما خبر بد این است که ایجاد محبوبیت، فرمول ندارد. انواع فرمول‌ها و از جمله سه رویکرد اشاره‌شده و نظریه‌های مرتبط با آن‌ها، توفیقاتی داشته‌اند اما سرانجام، بیش از آن که راهم‌ای راه باشند، نوعی توجیه‌کنندگی به حاکمان داده‌اند. علت شاید آن باشد که محبوبیت از اساس پدیده‌ای فرموله‌شدنی نیست. پدیده‌ای است بیوا و بت عباری است که هر آن به شکلی پدیدار می‌شود. هر راه، آفت‌هایی را نیز به همراه داشته است. برای مثال، اندیشه‌های ولایت الهی، اهل رب‌ها، اندیشه‌های تکثرگرای، اهل ثروت و اندیشه‌های خشونت‌ساز، فریبکارانه‌ی مردم، جنگ‌طلبان را پروردند. آن‌ها همه به آفت‌های خود، عادت دارند چرا که محبوبیت را بی‌مورد مسیر گشودن یک راز و انتهای یک راه می‌دانند در حالی که باید آن را هر حال لحظه و در هر حال سنجید.

باید در نظر داشت که در محبوب بودن حکومت اکثریت ارزش دارد اما در عین حال، اقلیت متخالف هم صاحب حق است یعنی محبوب بودن، برای تک‌تک مردم جامعه مهم است و ایجاد تفرق به هر دلیل، نقطه‌ای از اشتک است که وقتی با جیالو و ستم برخورد شود، ستیزان و وابستگان‌شان از حکومت متنفر می‌شود. حکومت موظف است قانون‌شکنان را تنبیه کند. حرفی نیست، با این حال، میزان محبوبیت حکومت کم می‌شود. پس نظام حاکم بر جامعه موظف است به گونه‌ای قانون بگذارد و به آن عمل کند که پویایی جامعه را در نظر گرفته باشد و زمینه‌ی کمتری برای قانون‌شکنی پدید آورد. بدین‌سان، گفت‌مانی که محبوبیت می‌سازد، با آرمان‌شهر محبوبیت تفاوت بنیادین دارد. می‌دانیم هر قانون بشری و حتی قانون الهی در طرف اجرای بشری، عده‌ای را منتفع و عده‌ای را متضرر می‌کند. چه باید کرد که بهره‌مندان، بیشتر و زیان‌مندان کمتر شوند؟ پاسخ‌های زیادی وجود دارد اما یک پاسخ خاص وجود ندارد و ادعای وجود آن هم ناشی از کبردانشی است. بسته به وضعیت جامعه از نظر طبیعی، تاریخی، فرهنگی، نیروهای بین‌المللی، ویژگی‌های جمعیتی و عوامل دیگر، پاسخ‌هایی متفاوت وجود دارد و همواره باید در پی این پاسخ‌ها بود. سرانجام، باید میزان محبوبیت خود را از مردم پرسید و در مقایسه با دیگران و گذشته‌ی خود سنجید. این است مدل محبوبیت؛ دمودستگاه‌های اجتماعی و سیاسی، خود به دنبال آفرینش محبوبیت خواهند بود. باید مرجع توافقی ساخت که کم‌وبیش به آن رجوع شود و گروهی را گروهی عین محبوب‌بودن و گروهی عین متفوربودن بدانند و هیچ توافقی وجود نداشته باشد، حرکتی نیز صورت نمی‌گیرد و تنها چالش بر جیستی وضعیت تداوم خواهد یافت.

سامانه‌ای برای سنجش محبوبیت و ایجاد امکان خودارزیابی همیشگی لازم است. هیچ سرمنزل مفهومی وجود ندارد و بهبود، امری است دائمی و پایان‌ناپذیر. آینده‌های ممکن را باید پیش چشم آورد و برای همه‌ی آن‌ها به کمک همه‌ی مردم، سناریوهای برخورد مناسب داشت. جریان وضعیت آسیب‌دیدگان و آنان که احساس تبعیض می‌کنند، امری است پایان‌ناپذیر. این که چگونه باید محبوبیت را همچون هوای تنفس حاکمیت، پالوده و تمیز نگه داشت، در هر بخش حکومت باید چندانکه پاسخ داده شود.

راه حل، آشکار و از پیش معینی وجود ندارد و اگر چنین بپندیشیم، در مسیر آبدی شکست و خودتوجیه‌گری خواهیم افتاد. تنها با مشارکت گروه‌های مختلف جامعه است که قانون‌گذاری و اجرای قانون برای هم‌ان و حتی با پس کشیدن

شفافیت امید

شفافیت در هر حوزه جریان اطلاعات قابل اتکا و بهنگام اقتصادی اجتماعی و سیاسی است که برای همه شهروندان مرتبط با آن حوزه قابل دسترسی باشد و در نهایت به ی مخالف فساد است

خوشبختی به آینده هر فردی، احساسی تاثر در آینده به امید فردی بهتری که آن را می‌سازم

از دخالت در امور آنان، به‌درستی و به‌جا انجام می‌شود. بنابراین، ما این پرسش را کنار می‌گذاریم که چگونه و با چه مدلی حکومتی محبوب می‌شود. محبوبیت، مهندسی نمی‌شود اما همچون هر امر انسانی و فرهنگی دیگر، پرورش می‌یابد و مراقبت می‌خواهد. محبوبیت، هوایی است موجود برای تنفس و تنها باید آن را پالود و نیالود. باید دانست که چگونه پالودگی و الودگی آن سنجیده می‌شود. آنگاه، می‌توان محبوبیت حکومت را حفظ نمود و نیز می‌توان به باری آن، از گذشته‌ها گذشت.

نابودی و زایل‌شدن محبوبیت از آنجا آغاز می‌شود که حکومتی به محبوبیت خود برای امروز و فردا، مطمئن و غره شود. این، همان ناسپاسی و طغیان است. هیچ کسی را بر هیچ کس دیگر تسلط نیست و اگر حکومت بر امور سیاسی مردم مسلط است، تنها از سوی آنان مجاز شده است و گزینه جایگاه خدایی، برای هیچ انسانی وجود ندارد. پس باید همواره محبوبیت را سنجید و در حفظ آن کوشید. این ریسمان، رضایت بافتی مردم را باید نشان دهد تا همه در آن چنگ بزنند و گزینه رخدادی در راه خواهد بود که از آن به خشم الهی تفسیر شده است و انججاری که دیر یا زود به‌واسطه‌ی نفرت مردم، حاکمان را به قعر جهنم پرتاب می‌کند. جسم بی‌روح حکومت منفور، دیر یا زود فرو خواهد افتاد اما حکومت محبوب، توان گذر از دشواری‌ها را دارد.

محبوبیت حکومت را چگونه باید سنجید؟ محبوبیت در سه مؤلفه همچون سه رکن برپا‌راننده که معطوف به جهان، معطوف به خود و معطوف به مردم است، سنجیده می‌شود. در این سه رکن، سه پیامد کلی وجود دارد و محبوبیت از روی پیامدهایش قابل سنجیدن است. سه نمد و نمود کلی که در سه رکن گفته شده، مشاهده‌پذیر هستند، عبارتند از: ارتباط با جهان، شفافیت دستگاک حکومتی و امیدواری مردم. اگر حکومتی، ارتباط قوی و عمیق با جهانیتان (اعم از ملت‌ها و دولت‌ها) داشته باشد، فساد در آن نباشد یعنی اجزا و اسناد حکومت چنان آگینه‌گون باشند که هیچ نقطه‌ی کدری در آن‌ها نباشد و در کنار این‌ها، مردم، احساس کنند آینده با دستان ایشان ساخته می‌شود، آینده‌ای که درخشان است یعنی چنین چشم‌اندازی در مردم پدیدار شود، می‌توان گفت که آن حکومت محبوب است. باز هم می‌دانیم که این موارد نسبی و وجود مطلق آن‌ها شاید دور از ذهن باشد اما دست‌یافتن به آن‌ها به‌طور نسبی و تدریجی، ممکن است. خلاصه این که سه مورد باید به‌طور دائمی برای سنجش محبوبیت حکومت سنجیده شوند: الف. ارتباط حکومت با جهان، ب. شفافیت حکومت و ج. امید مردم به فردای بهتری که در ساختن آن سهیم هستند. مشکل حکومت‌ها در اینجاست که به حساب خود نمی‌رسند تا پیش از آن که به حساب‌شده رسیده شود و تا لحظه‌ی واپس‌ی با فساد گسترده پیش می‌روند. اگر حساسرسی جدی از خود و پذیرش کاهش محبوبیت باشد، راه بازسازی آن را می‌شود یافت. در ادامه به توضیح این سه خواهیم پرداخت.

۲. نماد و نمود اول: شفافیت

تختسین مؤلفه‌ای که می‌توان حکومت یک حکومت را در آن دیده شفافیت است. این نماد و نمود محبوبیت، به خود حکومت باز می‌خورد. حکومتی که چیزی برای پنهان کردن ندارد، برآمده از جامعه است. هر چه پنهان‌کاری‌ها بیشتر می‌شود، فاصله‌ی حکومت از مردم بیشتر شده است. و سخن گفتن از

آشاره

شفافیت با در دسترس قرار دادن اطلاعات ممکن می‌شود. مثلاً فرض کنیم در سامانه‌های برای مقایسه‌ی کارآمدی دولت در دوره‌های مختلف، موارد زیر دیدنی شوند و در دسترس عموم باشند:

- حفظ و ارتقای اعتبار کشور در میان دیگر کشورها

- امکان سفر به کشورهای دیگر بدون ویزا
- مدت اعتبار پاسپورت بدون ویزا در کشورهای دیگر
- میزان دوست داشتن کشور در نظرسنجی‌های جهانی از مردم
- میانگین سالانه گردشگر خارجی
- میزان تجارت با دیگر کشورها
- تعداد کشورهای طرف تجارت
- تعداد محصولات ممتاز در جهان (اعم از محصولات کالایی، خدماتی، دانشی، رسانه‌ای، و...)
- میزان موفقیت‌های ورزشی عمده
- میزان جذب سرمایه‌ی خارجی
- تعداد و کیفیت و نتایج مذاکره‌ی طرح‌شده در مورد کشور در سطح بین‌المللی

- حفظ و ارتقای ابعاد مختلف امنیت

- سرانه قتل در کشور
- سرانه جرایم خشن
- سرانه تهدید تروریستی موفق
- احساس اعتماد به پلیس
- احساس اعتماد به سیستم قضایی
- احساس امنیت زنان
- میانگین زمان حل دعوی در دادگاه‌ها
- حفظ و ارتقای سرمایه‌های اقتصادی و رفاه عمومی
- سرانه تولید ناخالص داخلی
- ضریب جنینی و دیگر ضرایب مرتبط با تبعیض اقتصادی
- سرانه فقیر (فقر خشن، فقر نسبی، فقر مطلق)
- میزان و ابعاد حداقل خدمات بهداشتی و درمانی
- میزان سرمایه‌گذاری خارجی و ذخیره ارزی
- شاخص توسعه انسانی
- شاخص توسعه پایدار
- شاخص فضای کسب و کار
- ضریب فلاکت
- ضریب فساد (کراپشن)
- شاخص جهانی توسعه
- شاخص دموکراسی اقتصادی
- تعداد و انواع خیریه‌های مردمی
- قدرت خرید نسبی در سطح جهانی
- سرانه بیکاری
- وضعیت بیمه همگانی (درمان، بازنشستگی، ...)
- تعداد حاشیه نشین و سکونت‌گاه‌های غیررسمی

- حفظ و محسوس نمودن سندهای گروه‌های مختلف مردم

- شاخص‌های مختلف دموکراسی
- تعداد رسانه‌ها به شکل سرانه جمعیتی
- طول عمر نسبی سرانه‌های بهداشتی
- تعداد گروه‌های جامعه سیاسی مجاز به فعالیت
- تعداد گروه‌های سرکوب و غیرقانونی اعلام شده
- تعداد مقامات دولتی که نسبت سرانه
- طول مدت ماندگاری افراد در جایگاه حکومتی
- تعداد انواع رسانه‌های به‌جور نیاز دارند
- نوع منابع حکومتی (مالی، رسانه‌های عمومی)
- میزان احساس بی‌طرفی قضایی
- میزان احساس بی‌طرفی و تعلق ملی به نظامی و انتظامی
- میزان رعایت حقوق شهروندی برای اقلیت‌های مختلف
- حفظ و ارتقای وحدت مردم در این کشورها و نمایندگی حکومت از مردم
- تعداد انتخبات برگزار شده با اجرای عملی نتایج
- میزان شرکت در انتخابات
- میزان حضور انواع گروه‌های سیاسی در قدرت
- میزان نمایندگی گروه‌های سیاسی از مردم
- تعداد مذاکرات حل‌نشد و حذفی مردم
- تعداد انتخابات با عدم پذیرش نامزدی‌های بازنده
- میزان موفقیت مردم با ندهای رسمی (زبان، پرچم و...)
- میزان موافقت با تصمیمات مهم حکومت
- میزان احساس بی‌طرفی سیاسی

- حفظ و ارتقای سرمایه‌های علمی، نوآوران و فرهنگی مردم

- تعداد آثار و منابع فرهنگی (کتاب، مقاله، فیلم و...) ثبت شده
- میزان احساس بیگانگی مردم و حکومت
- تعداد همایش‌های علمی معتبر
- تعداد مقالات علمی معروف و حل‌مسئله علمی
- تعداد موفقیت در المپیادهای و رقابت‌های مشابه
- تعداد جوایز اثر فرهنگی در خارج کشور
- تعداد جشنواره‌های فرهنگی معتبر جهانی در داخل کشور
- تعداد مرافعات فرهنگی عمده بین‌المللی
- میزان درآمدهای دانش‌بنیان
- ثبت و وضعیت ارتباطات
- سرانه مطالعه
- سرانه صرف (سبد) فرهنگی
- تعداد دانشگاه‌های معتبر در صد دانشگاه اول جهان
- سرانه اختراعات تجاری شده
- شاخص عدالت آموزشی
- شاخص عدالت اجتماعی
- میزان رضایت از قوانین فرهنگی در هر حوزه
- میزان احساس اعتماد در هر حوزه

مسئله با ارجاع به موارد بالا در مورد تولید و ترخیص نتایج حوزه‌های مختلف خواهد یافت. برای گسترش فرهنگ شکاف‌ها، در سطح ملی، کیفیت گفت‌وگوها در این موضوع ارتقا نیست. لازم است دسترس‌های عام (تا جای ممکن) وجود داشته باشد تا مردم به این اطلاعات کافی عامیانه، به این موارد رجوع کنند. آنگاه شفافیت به عنوان یک امر حکومتی که امری فرهنگی خواهد آمد. تجربه نشان داده است که حکومت‌ها باید خود را توسط مردم مهار کنند. تورم و تراکم ندهای حکومتی تأثیر بر یکدیگر، به هیچ وجه اثر نظارت بیرونی را ندارد.

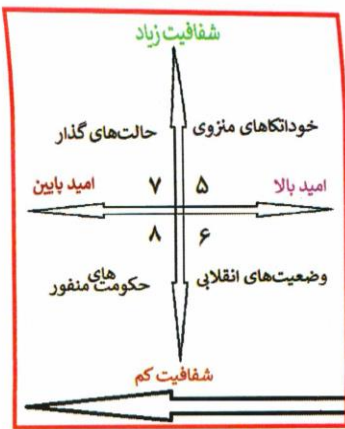
محبوبیت، تزویری بیش نخواهد بود. فرد، گروه یا نهادی که محبوب باشد از گفت‌وگوهای خود نمی‌هراسد؟ بنابراین دور شدن از شفافیت، به معنای دور شدن از گروه‌های مختلف مردم و جنبه‌ای از محبوب نبودن است. شفافیت، در تعاریف بین‌المللی سنجش شفافیت، در مقابل فساد قرار می‌گیرد یعنی میان پنهان‌سازی کاری و فساد، از نظر تعاریف بین‌المللی شفافیت، تناظر وجود دارد. فساد سیستماتیک در تعریف بانک جهانی (گزارش توسعه ۲۰۱۷) چنین است:

- انحصاری بودن قدرت مرکزی
- دسترسی انحصاری بر ثروت عمومی
- امکان ارجحیت دادن اراده شخصی بر قانون یا حاکمیت قانون
- نبود رقابت سالم و آزاد در بازار
- داشتن امتیاز خاص در بهره برداری از منابع
- بهره‌برداری از منابع از طریق روابط سیاسی
- حمایت سیاسی برای داشتن شغل و پست
- نقض قوانین با استفاده از قدرت سیاسی
- نبود عدالت اجتماعی در پروسه قانون‌گذاری
- پایین بودن هزینه فساد در نظام اداری
- با این حال، مراد ما از شفافیت فراتر از تعاریف بین‌المللی آن مقابل فساد است چرا که شفافیتی عام و فراتر از بحث‌های مالی و اداری را مدنظر داریم. شفافیت، به معنای وجود نهادهای مدنی و رسانه‌های آزاد برای شفاف‌سازی مسایل اجتماعی-سیاسی کشور نیز است چرا که نمی‌توان انتظار داشت همواره مردم از همه‌ی مسایل آگاهی تخصصی داشته باشند. در جهان امروز، تخصصی در حوزه‌های مختلف دشوار و حتی ناممکن است. بنابراین، نهادهای مدنی و رسانه‌ها می‌کوشند مسایل مختلف جامعه را برای اعضای خود شفاف کنند و آنان را به کنش‌گری توانا نمایند.
- رقابت گروه‌های مختلف است که شفافیت سیاسی را ممکن می‌سازد. همان گونه که کانون‌های قضایی و وکالت مستقل از حکومت همچون حساسی‌های مالی و نظرسنجی‌های فراملی، مردم را باری می‌دهند که درکی شفاف و نه فیت‌زنده از واقعیت داشته باشند. به هر حال، دسترسی به منابع مختلف اطلاعات برای مقایسه‌ی دیدگاه‌های مختلف در هر زمینه را می‌توان جامع‌ترین تعریف از شفافیت دانست. وقتی گردش اطلاعات آزاد باشد، رانت اطلاعات که بزرگترین رانت دنیای امروز است، محدود می‌شود و مردم این امکان را خواهند یافت که از موارد مختلف آگاه شوند.

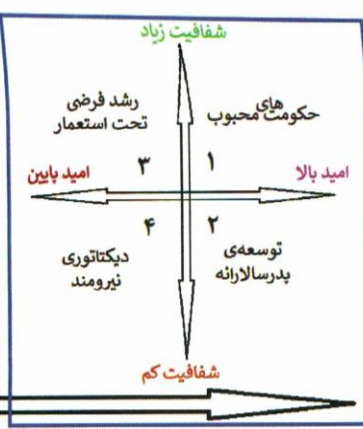
به همین خاطر، با بسط مفهوم فساد و شفافیت در تعاریف عام بین‌المللی نیز از تعاریف خاص گذر شده است و شفافیت را به معنای جریان بهنگام، مطمئن و دسترس‌پذیر اطلاعات در هر حوزه‌ها برای شهروندان درگیر یا مرتبط با آن حوزه‌ها (استیک هولدرهای آن حوزه) دانسته‌اند. به این ترتیب، هر جا این جریان متوقف یا تضعیف شده باشد، به معنای فساد است. هر چه یک حکومت بتواند خود را برای شهروندان شفاف‌تر کند، آن حکومت محسوس‌تر خواهد بود.

باید یادآوری شود که سنجش شفافیت دو وجه دارد. یکی گزارشی است که سازمان‌های حکومتی (اعم از قوای کشوری، لشکری و دیگران) ارائه می‌کنند اما وجه ضروری دیگر، احساس مردم از میزان شفافیت است یعنی به شکل دوره‌ای باید پرسیده و مشخص شود که شفافیت در اجزای حکومت از نظر مردم چه اندازه است و برای هرگونه ضعف یا نزول احساس شفافیت، تدبیری اندیشیده شود، چه این ضعف یا ضعف عینی یعنی گزارش‌های آن جزء یکسان باشد و چه نباشد که تفاوت میان شفافیت عینی و ذهنی را نشان می‌دهد.

چنین سنجش‌هایی به مردم نیز کمک می‌کند که ادعاهای افراد و احزاب سیاسی و نیز مدیران اجتماعی و اقتصادی و دیگران را بررسی کنند. در حال حاضر، شفافیت در بخش‌های مختلف کشور بسیار پایین است. با اهالی رسانه و پژوهشگرانی که اطلاعات را برای بررسی و گزارش‌دهی به عموم می‌خواهند، اغلب همچون افرادی مزاحم برخورد می‌شود و به‌طور کلی، نه ارزش شفافیت و نه هنجار آن به صورت سازمانی وجود ندارد. همین موضوع، به پیدایش تخلفات گسترده و کشف دیر هنگام فساد دامن زده است.



ارتباط ضعیف با جهان



ارتباط مؤثر با جهان

چه حد امید داشته باشند که وعده‌های مسئولان عملی شود، از آنان در شرایط آسیب‌پذیری و بازنستگی شتاب شود. انتقادهای آنان شنیده شود، فسادهای موجود برطرف شود، نسل آینده زندگی بهتری داشته باشد، سیستم‌های مختلف جامعه توسعه و بهبود یابند و مانند این‌ها به امید بازمی‌گردد. همچنین، افزایش مشارکت در انتخابات، امور مدنی، خیریه‌ها، مساحت انتقادی و امدادرسانی و دیگر کارهای جمعی و گروهی، نشان می‌دهد که مردم به طور عینی و در عمل تا چه اندازه امیدوار هستند.

۴. نهاد و نمود سوم: ارتباط با جهان

پایامد آشکار و همزمان مؤلفه‌ی سوم گفتمان محبوبیت که معطوف به جهان اعم از دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های خارجی یا بین‌المللی است، عبارت است از: ارتباط با جهان. محبوبیت یک حکومت، فقط وجهی ملی ندارد و در کل جهان نیز، هم از طریق شایستگی‌های عملکردی و افزایش امکان مرادوات و هم از طریق تأثیرگذاری گفتمانی بر فضای رقابت نیروها و گفت‌وگوهای جهانی آشکار می‌شود. حکومت محبوب، میانجی حل و فصل بسیاری از دعاوی، باری‌کننده‌ی کشورهای تحت ستم و شریک یا رقیب مهمی برای همسایگان، کشورهای منطقه و قدرت‌های مختلف جهانی است.

با این اوصاف، وقتی از گفتمان محبوبیت سخن می‌گوییم، نادیده‌گرفتن ارتباط با جهان، ناممکن می‌نماید. آشکار است که کلیت این ارتباط بر مبنای گفت‌وگو و همکاری است اما بخشی از آن نیز ممکن است به درگیری‌ها و نبردها بازگردد، مهم‌تر از همه اما ویژگی حل کشمکش است. حکومت محبوب چنان که در داخل کشور، با شفافیت کامل، امیدآفرینی می‌کند و چنان که دیدیم، یکی از ضروریات این دو، حل مسالمت‌آمیز و قانونی کشمکش‌هاست، در فضای جهانی نیز چنین مهارتی را دارد و در نتیجه، ستون مهمی برای امنیت و صلح جهانی به حساب می‌آید.

به این ترتیب، وقتی که در مورد حکومت محبوب سخن می‌گوییم، باید بینیم دولت به نمایندگی از مردم کشور خود، تا چه اندازه در جهان مورد ستایش و یا تنفر دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های خارجی و فراملی است. همچنین، باید دید که گردشگران، دیپلمات‌ها، روزشکاران، دانشمندان، مشاهیر و دیگران، تا چه اندازه به آن حکومت (به نمایندگی از کشور) اعتماد دارند. تا چه اندازه، مخاصمت بین‌المللی ممکن است به ابتکار آن حکومت، ساده شود و با مذاکره به جای نبرد، پایان یابد.

همچنین، مانند هر دو مؤلفه‌ی پیشین، می‌توان در سال‌ها، دهه‌ها، سده‌ها و دوره‌های مختلف تداوم یک حکومت نیز، به روند محبوب‌تر شدن یا منفورتر شدن یک حکومت، از وجه ارتباط با جهان، نگریست. در مقابل ارتباط مؤثر یک حکومت با دیگر حکومت‌ها، می‌توان از ارتباط ضعیف سخن گفت که به کمک‌های مادی، شرایط استثنایی، تسلط نظامی و مانند این‌ها وابسته است. چنین ارتباطی، منفور بودن حکومت را نشان می‌دهد. آشکار است که منفور یا محبوب بودن حکومت‌ها در جهان، مانند امید و ناامیدی مردم و نیز شفافیت و

وجود اسانه‌ی ملی شفافیت می‌تواند به روشن کردن ادعاهای مردم‌فربان سیاسی، اقتصادی و دیگر مردم‌فربان، ظهور پوپولیسم منفی را بسیار دشوار و یا حتی غیرممکن کند. وجود شفافیت به‌خود، به مطالبات مردم جهت، اندازه و شدت مناسب می‌دهد و اعتراضات و جنبش‌های گروه‌های مختلف را مطالبه‌محور می‌کند و از حالت بی‌شکل و شتابزده در می‌آورد. همین دو مورد اخیر، در روندی بازگشتی به گفتمان محبوبیت عمق می‌بخشد و حتی حکومت را محبوب‌تر می‌کند چرا که مردم را به سهامداران حکومت تبدیل می‌کند و به آنان احساس آگاهی و تأثیرگذاری می‌دهد. به این ترتیب، سنجش و نمایش شفافیت و ارتقای محبوبیت تا حد زیادی به طور خودکار با هم پیش می‌روند.

۳. نهاد و نمود دوم: امید

پایامد یا نشانه‌ی دوم محبوبیت که همزمان، رکنی از محبوبیت نیز است، معطوف به مردم کشور است و عبارت است از امید. وقتی حکومت محبوب باشد، امید مردم بالاست و در بدترین شرایط هم احساس می‌کنند می‌توانند در شرایط پیشرفت قرار گیرند و چشم‌انداز آنان، فتح قله‌هاست اما در حکومت‌های منفور، مردم به هر دستاورد بزرگی نیز از جنبه‌ی تاریک آن در کاربرد نامناسب آن توسط حاکمان می‌نگرند. امید را نه در شعار که باید در عمل و در احساسات مردم بررسی نمود.

برای نمونه، مردمی که امید بالا و چشم‌انداز درخشانی برای کشور خود دارند، از نماندهای کشور خود مانند پرچم و دیویر نشان‌های فرهنگی، سیاسی و تمدنی بسیار استفاده می‌کنند. مردم زمانی که امید دارند، چندان رغبتی برای مهاجرت به کشورهای دیگر ندارند چرا که می‌اندیشند در همین کشور و با سیستم درستی که بر آن حاکم است، تلاش‌ها به ثمر می‌نشیند و وضعیت در هر زمینه‌ای، اگر خوب است بهتر و اگر بد است، خوب خواهد شد. آنان چندان به جمع‌آوری ثروت، املاک و طلا و مانند این‌ها مبادرت نمی‌ورزند و بیشتر پول در زمان خود را به تفریح، کسب دانش و مهارت، سفر و مانند این‌ها اختصاص می‌دهند. مردم خطا و درست سهیم می‌بینند و به بهبود تدریجی امور باور دارند. بچه

میزان امید را می‌توان در شاخص‌های عینی مانند امید به زندگی تا شاخص‌های ذهنی مانند امید به بهتر بودن سال آینده نسبت به امسال و میزان امید به جذب در بازار کار در میان جوانان و به‌ویژه دانش‌آموزان و دانش‌جویان سنجید. همچنین، میزان فرزندآوری، امید مردم به آینده را به طور غیرمستقیم نشان می‌دهد. یکی از واکنش‌های مردم دوری مدور در حالت ناامیدی، پیش‌گیری از بارداری است. این عوامل همه کم‌وبیش به عوامل مختلفی به‌ویژه محبوبیت حکومت مرتبط هستند. اما برخی امیدها هم به‌صورت خاص به حکومت مربوط هستند. این که مردم تا



فداه، هم ایجاد عینی و ذهنی دارد. همچنین باز هم هر سه این موارد، طیفی هستند و میان ارتباط مؤثر و ضعیف، می‌توان ده‌ها نمونه‌ی مختلف را یافت و این جداسازی‌ها تنها برای ساده‌سازی و تقریب بیشتر مفهوم به ذهن است.

همچنین باید به یاد داشته باشیم که محبوبیت از درون وضعیت نامطلوب و منفور بودن و منفور بودن از دل وضعیت مناسب و محبوبیت ممکن است زاده شود و چنان که گفته شد، محبوبیت نیاز به مراقبت دائمی دارد و همچون آب گوارا یا هوابی تمیز است که آلودگی آن امکان دارد. این آلودگی‌ها را چنان که دیدیم، با ردیابی فساد (ناشافتگی)، ناامیدی و ارتباط ضعیف با جهان بازشناخت.

۵. نمودار مقایسه‌ی کشورها در هشت وضعیت میزان محبوبیت

سرتاجام، با مواردی که گفته شد، می‌توانیم به یک گونه‌شناسی برای توضیح انواع حکومت‌ها بر اساس شکل و میزان محبوبیت‌شان برسیم که در نمودار زیر آمده است:

این نمودار، با سه محور شفافیت حکومت، امید مردم و ارتباط جهانی ساخته شده است. در سمت راست، حکومت‌هایی با ارتباط مؤثر دیده می‌شوند و در سمت چپ، گونه‌هایی که ارتباط ضعیف دارند. به دلیل امیدیه که ارتباط با دیگر کشورها برای یک کشور دارد و کشورها نیز عمدتاً از طریق نمایندگی حکومت‌های‌شان با هم رابطه دارند، وضعیت‌های سمت چپ ناپایدار و گذری است اما وضعیت‌های سمت راست، وضعیت‌هایی هستند که پایدار می‌تواند باشد. به هر حال، چهار سنخ سمت چپ و چهار سنخ سمت راست، با دو محور مشابه امید و شفافیت جدا می‌شوند یعنی حکومت‌هایی که (چه در سمت ارتباط مؤثر و چه در سمت ارتباط ضعیف) در سمت بالا قرار می‌گیرند، شفافیت زیاد دارند و آن‌ها که در سمت پایین هستند، شفافیت کم. همچنین، در هر بخش، اگر از راست به چپ بپاییم، از امید بالا به امید پایین می‌رسیم.

بنابراین، هشت وضعیت داریم که در جدول زیر هم به شکلی دیگر قابل مشاهده هستند:

۵. الف. ارتباط ضعیف

نخست به حالت‌هایی می‌پردازیم که ارتباط حکومت با جهان ضعیف است یعنی نمی‌تواند ارتباط مؤثری با حکومت‌های دیگر برقرار کند. این حالت نمی‌تواند پایدار باشد چرا که حکومت‌های جهان مدرن، به هم وابسته هستند و حکومت‌هایی که بیرون از مدار نیروها و ارتباطات جهانی می‌افتند، با انواع مشکلات اقتصادی و سیاسی روبرو می‌شوند. با این حال، ناپایداری به معنای ناپودی در مدت کوتاه نیست. ممکن است یک حکومت، سال‌ها در وضعیت ناپایدار به سر برود. امروز، حکومت کره‌ی شمالی بهترین وضعیت حکومت حکومتی است که روابط جهانی بسیار محدود و ضعیفی دارد، از نظر شفافیت در سطح پایین است و از نظر امید نیز، مردمی ندارد که به هیچ گونه دگرگونی امید داشته باشند. گویی زندانیانی ابدی هستند که سرزنش محبوم آنان، زندگی در کشوری است که می‌بینند. جزیره‌بندی اقتصادی و حکومت همواره نظامی، برقرار است و چیزی خارج از اراده‌ی حزب و در واقع شخص حاکم مجاز نیست.

ممكن است بسیاری از حکومت‌ها در همین وضعیت پایین بودن هر سه شاخص محبوبیت باشند اما کره‌ی شمالی، شاخص آن‌هاست و همان گونه که پیش از این گفته شد، هر سه مؤلفه‌ی شفافیت، امید و ارتباط، طیفی هستند که در نتیجه در هر وضعیت از وضعیت‌های هشت گانه، ممکن است حکومت‌های بسیاری

داشته باشیم که تا حدی متفاوت هستند. به هر حال، وضعیت ۸ بدترین وضعیت است: فساد، ناامیدی و انزوا. دشنوارترین وضعیت تا محبوب‌شدن، همین حالت ۸ است و می‌توان آن را به عنوان ایده‌آل تاپ حکومت منفور در نظر گرفت. در حالتی که نسبت به وضعیت ۸، شفافیت بهبود یابد اما هنوز ارتباط جهانی بهبود نیافته است و مردم نیز چندان امید ندارند، کشوری در حال گذار به حکومت شفاف یعنی وضعیت ۷ را داریم. چنین کشوری در واقع در حالت تغییر از بالا است و حاکمان دریافته‌اند که باید برای رهایی از وضعیت منفور بودن، کاری کرد. شفاف‌شدن ساختارهای حکومتی، این قابلیت را دارد که آغاز دگرگونی باشد. فیلیپین را با ظهور دوترته می‌توان از این گونه شمرد. کشوری که به دلیل اتهام‌های نقض حقوق بشر، ناامنی و مشکلات دیگر، به نسبت منزوی شده بود و مردمی ناامید از تغییر و بهبود اوضاع و فساد به شدت دامنگیر داشت اما دوترته اکنون می‌کوشد با مجازات بدون محاکمه‌ی مجرمان و حتی خطاکاران سیستم حکومتی، از شفاف‌سازی حکومت آغاز کند. به هر حال، این نمونه ماندگاری‌های خیلی در انتهای طیف نیست چون نه شفافیت به کلی بالا رفته است و نه انزوا فیلیپین چندان شدید است و نه مردم چندان ناامید هستند چون با دیدن دوترته، امیدوار شده‌اند. به هر حال، این وضعیت نمی‌تواند پایدار بماند و دوترته مجبور است دوباره روال عادی را به امور بازگرداند. اگر او موفق شود، هم امید مردم باز می‌گردد و هم ارتباط جهانی بهبود می‌یابد. در غیر این صورت، فیلیپین به سمت ناحیه‌ی ۸ خواهد رفت.

وضعیت ۶، مربوط به حالت عکس فیلیپین در نیمه‌ی کشورهای منزوی است. در این وضعیت، ارتباط با جهان ضعیف است و شفافیت هم پایین است اما مردم بسیار امیدوار هستند. این ناحیه در واقع، حالت انقلابی یا مثل یمن امروز را نشان می‌دهد. حکومت‌هایی که در حالت تأسیس هستند و نه استقرار. حکومت‌های بسیاری آنان را به رسمیت نشناخته‌اند و از سوی دیگر، هنوز دم و دستگاه حکومت به‌هم‌ریخته است و شفاف نیست.

ناحیه‌ی ۵، اما وضعیت کشورهای منزوی است که تا حد زیادی خوداتکا هستند. عمان می‌تواند نمونه‌ی خوبی باشد. ارتباطات عمان خوب اما محدود است و تا حدی می‌توان آن را در ارتباط ضعیف قرار داد اما شفافیت حکومت به نسبت بالا و امید مردم نیز بالاست. در بهار عربی، حکومتی که به سرعت دست به اصلاحات زد و گزند از حوادث نیافت، عمان بود. به هر حال، امروز ارتباطات عمان قوی‌تر از آن است که در ناحیه‌ی ۵ باشد و اگر در ابتدای سلطنت سلطان قابوس در آن ناحیه بود، امروز می‌توان آن را در ناحیه‌ی ۱ در نظر گرفت. البته باز هم باید تأکید کرد که تمام این ۸ ناحیه، طیفی هستند و اکنون، بحث تنها بر سر گونه‌شناسی است و مصداق‌های بهتری ممکن است بتوان پیدا کرد. برای مثال، سال‌های حکومت مصدق در ایران (صرفنظر از وجود محمدرزاشاه) را نیز می‌توان مصداق ناحیه‌ی ۵ دانست. امید و شفافیت بالا اما ارتباط نه‌چندان قوی با جهان به دلایل مختلف.

۵. ب. ارتباط مؤثر

در ناحیه‌ی ۴، هم امید پایین است و هم شفافیت اما ارتباط با جهان، مؤثر است. کشورهایی مثل عربستان امروز در چنین وضعیتی هستند. اگر چه محمدرضا سلیمان سعی کرده است با اصلاحات اداری و آزادی‌های اجتماعی، امید را زنده کند اما هنوز چندان جامعه‌ی امیدوار و صاحب چشم‌اندازی در عربستان وجود ندارد. از شفافیت حکومت که به کلی نمی‌توان سخن گفت چرا که افراد زندانی می‌شوند



راه حل ریشه‌های مشکلاتی که در ایران توسط حکومت باید حل شوند، حرکت در مسیر افزایش محبوبیت و پدیدار شدن گفت‌وگوهای مردمی به جای تمرکز بر حل روزمره‌ی مشکلات است. تا زمانی که واکنشی عمل کنیم و منتظر هجوم آسیب‌های مشکلات هستیم، در شاخ و برگ مشکلات اسیر خواهیم بود. در مقابل، می‌توان محبوبیت را دیدنی کرد و پیش از رسیدن مشکلات و بحرانی شدن مسائل، به فکر حل آن‌ها بود. باید پیدایش نفرت را رصد نمود و پیش از انباشته‌شدن، ناگفته‌ماندن، زهرآگین‌شدن و به خیابان سرراز شدن آن، فکری کرد. برای مثال، آنچه بستر اعتراض‌های دی ۹۶ را پدید آورد، سرریز کردن خشم و نفرتی بود که در نقاط مختلف متمرکز و انباشته شده بود. برخی، آن را به تبعیض اقتصادی و در نتیجه احساس محرومیت و استیصال قوه کاستند. این‌ها، بخشی از واقعیت بود. خشم در پیکره‌ی جامعه‌ی ایران ریشه دوانده است. سنجش گالوپ نشان می‌دهد ایرانیان از خشمگین‌ترین مردمان جهان هستند. کافی است به پژوهش‌های اجتماعی داخلی و حتی مشاهده‌ی فردی در خیابان‌ها متوسل شویم تا درستی نتایج این سنجش را حس کنیم. هشدان در مورد بازار داغ مهاجرت از ایران، ناامیدی از اصلاح دستگاه‌های مختلف، احساس فساد کاهش‌یافتنی و موارد دیگر، بارها در نتایج پیمایش‌های مختلف تکرار شده‌اند. با این حال، تا زمانی که به این مسائلی به شکل موردی می‌پردازیم، راه‌حلی پدید نمی‌آید. باید خشم و نفرت درون گروه‌های مردم را شناخت و آنگاه دست به کار شد. بسیاری از موارد، تنها با اطلاع‌رسانی حل می‌شوند. برخی موارد، نیازمند عزل و نصب هستند و برخی دیگر، اصلاحات ساختاری و ریشه‌ای می‌خواهند اما راه‌نمای مسیر ما، کوشش برای محبوب‌شدن حکومت باید باشد. پس از آن‌دک زمانی هل دادن، ماشین محبوبیت روشن خواهد شد و می‌توان بر آن سوار شد. مردم چه چیز را باید حس کنند که حکومت را محبوب بدانند؟ بررسی ما به این نتیجه رسید که اینک تنها اطلاعات پراکنده وجود دارد و با این اطلاعات پراکنده و نامرتبط نمی‌توان به درستی پاسخ داد. باید به منظور یافتن مسیر محبوبیت، اطلاعات را دوباره سامان داد. پیشنهاد دقیق مطالعات و میزگردهای مبرها نمودن سامانه‌ی اشا (امید مردم، شفافیت حکومت، ارتباط با جهان) است. این سامانه نیز به سرعت معجزه نمی‌کند اما به تدریج ما را به پاسخ‌های بهتر می‌رساند. به هر میزان که بتوان جایگاه کشور، نهادهای واحدهای مختلف حکومت را در نمودار محبوبیت تعیین نمود و به آنان مأموریت داد که در جهت افزایش محبوبیت حکومت بکوشند، دوری از مشکلاتی از جنس اعتراض‌های دی ۹۶ ممکن‌تر خواهد شد. به ریشه‌های خارجی اعتراض‌ها اتری نداریم. مسأله، بستری است که این اعتراض‌ها در آن جاری می‌شوند و این بستر، چیزی نیست جز خشم گروه‌هایی از مردم و تنفر آن‌ها از حکومت به هر دلیل. مهم نیست که این احساس خشم در دست است یا نادرست. به هر حال، باید از بود و نبود آن مطلع شد و آن را تا جایی ممکن برطرف کرد. اگر نمی‌توان سرعت ریشه‌ای‌ترین خشم‌های ناشی از محرومیت اقتصادی را برطرف کرد، هر کدام را که می‌شود سریع‌تر برطرف کرد، باید یافت و دست به کار شد و به سازمانهای مرتبط، مأموریت داد.

و با باج‌های کلان، آزاد می‌شوند. به‌طور کلی، حکومت به صورت قبیلگی اداره می‌شود. با این حال، به دلیل مراودات اقتصادی گسترده و تسلط بر برخی بازارهای مالی و شرکای بسیار، عربستان بازیگری بسیار قوی در جهان است. به همین دلیل، می‌توان آن را در ناحیه‌ی ۴ و حتی نزدیک به ۲ در نظر گرفت. ناحیه‌ی ۲، وضعیت توسعه‌ی پندرسالارانه مانند سایرین دوره‌ی اصلاحات میچی، چین کنونی، ترکیه‌ی کنونی، هند کنونی و بسیاری کشورهای دیگر است. در این کشورها، شفافیت چندانی وجود ندارد و مردم از بسیار مسائل حکومتی بی‌خبر هستند و دخالت در سیاست، بسیار محدود و حتی ممکن است گاهی خطرناک باشد. با این حال، ارتباط با جهان بسیار گسترده و مؤثر است و حکومت توانسته است امید و اعتماد بالایی به آینده در میان مردم ایجاد کند. همین امید و چشم‌انداز نیرومند، رانه‌ی مهمی در پیشرفت این کشورهاست. این کشورها هر کدام، روش خاصی دارند اما همه از نظر محبوبیت، از انواع توسعه‌های پندرسالارانه هستند. به هر حال، این کشورها، به داشتن حکومت محبوب نزدیک‌تر هستند. وضعیت ۳ که کشوری به رغم داشتن حکومتی شفاف و ارتباط گسترده با جهان، مردمی ناامید داشته باشد، بسیار دور از ذهن است و در لحظات خاصی ممکن است تحت تأثیر رسانه‌ها یا حوادث طبیعی اتفاق افتد اما ارزش تحلیلی ندارد. وضعیت ۱ نیز وضعیت مطلوب است که بسیاری از حکومت‌ها به ویژه دولت‌های رفاهی در کشورهای اسکاندیناوی، هلند، آلمان، استرالیا در آن قرار می‌گیرند ولی به هر حال، ایده‌آل تاپ، رسیدن به اوج شفافیت، امید و ارتباط است.

۶. مسیرهای محبوبیت

سرنوشت، آنچه در پیدایش گفتمان محبوبیت مؤثر است، این است که از کدام مسیر باید به سمت محبوبیت رفت. البته ممکن است کشوری در همان ناحیه‌ی ۸ باید اما باز هم راه‌های مختلفی دارد برای این که محبوبیت خود را افزایش دهد. برای پیدا کردن آن نیز باید نشانه‌های سستی و مشکل را دریافت. در شکل زیر، حالتی جداسازی تصویر شده است که از بدترین وضعیت، چگونه می‌توان به وضعیت مطلوب رسید. راه‌های مختلفی ممکن است طی شود یا طی شده باشد. مهم این است که راه را بتوان پایش نمود و از درس‌های گذشته آموخت. یک راه، بررسی مسیری است که طی می‌کنیم. باید مسیر کدام رنگ را طی نمود؟ کدام یک ممکن است بی‌سرنوشت باشد؟

همان گونه که از آغاز اشاره کردیم، فرمولی وجود ندارد و تنها نکته‌ی مهم است که خواست محبوبیت وجود داشته باشد. آنگاه، این نمودارها و پایش مسیر و تجارب انباشته کمک می‌کند که بهتر به سمت محبوبی حرکت کنیم و هر گاه خواست خود دچار وقفه شدیم، بازاندیشی پیشه کنیم. محبوبیت حتی اگر موجود باشد، باید در حفظ و ارتقای آن همواره کوشید. این کوشش، با پایش شفافیت، امید و ارتباط، نظام‌مندتر خواهد شد. در ادامه، به آغاز بحث یعنی ارتباط میزان محبوبیت حکومت و حل مشکلات اساسی کشور باز می‌گردیم.

۷. چشم‌انداز: محبوب‌ماندن و حل مسائل کشور

گفتمان محبوبیت به چه شکل در خواهد آمد؟

ما نمی‌دانیم و نمی‌توانیم حدس بزنیم که گفتمان محبوبیت سرانجام به چه شکلی زاده خواهد شد اما می‌توانیم به تجربه‌ی تخصصی و جمعی خود در پایان مبحثی کارشناسانه، حدس بزنیم که آغاز چنین گفتمانی، باید سامانه‌های مانند سامانه‌ی اشا یا ویژگی‌های گفته‌شده باشد. این طرح، یک طرح توسعه از بالا محسوب نمی‌شود و تنها بخش نخست آن جرقه‌ی ایجاد امکان پیدایش گفتمان محبوبیت است، به عهده‌ی حکومت است. پیداست که توسعه‌ی آن، مشارکتی همگانی را می‌طلبد که احتمالاً با توجه به نیاز شدید که به آن حس می‌شود و ارتباطات و اتصالاتی که به آن پدید می‌آید، جلب خواهد گرفت.

می‌دانیم که شکل مشارکت طولانی‌مدت برخلاف مشارکت‌های کوتاه‌مدت، در ایران بسیار دشوار است. با این حال، تفاوت طرح حاضر (سامانه‌ی اشا به عنوان آغازگاه گفتمان محبوبیت) در نیازی است که همه‌ی بازیگران و دو سوی اصلی بازی (مردم و مسؤولان) به آن دارند. آن‌ها همه به دلیل نبود نقطه‌ای ملی برای ارجاع و مقایسه‌ی پذیرفته‌از هر دو سو، سرگردان هستند و به این نیاز خود آگاهی دارند.

دوباره باز گردیم به تجارب موجود و نزدیک‌ترین تجربه که اعتراض‌های دی ۹۶ بوده است. شماره‌های معترضان که اغلب نیز جوان بودند چنان کلی بود که از اساس برای حکومت، راهی جز فرونشاندن اعتراض‌ها باقی نمی‌گذاشت. بخش بزرگی از جامعه نیز که معترض بودند (مثلاً به تبعیض‌های اقتصادی)، با آنان همراه نشدند و از اساس، فشار مثبتی که در جهت‌های اقتصادی می‌توانست به مبادی تصمیم‌گیری وارد شود، وارد نشد. معترضان محدود به ناکت‌مرد و خشمگین‌تر شدند و بسیاری از آنان طبق مصاحبه‌ها و بررسی‌های موجود، خود را در جایگاه قهرمانان آگاه و تنه‌ای عدالت‌طلبی دیدند. گرچه تریبون‌های دشمن نیز از عمل آنان سود می‌جست. از سوی دیگر، بسیاری از تخریب‌بیان کردند که تخریب گردید تا دیده شویم، آنان اگر حس می‌کردند که در جایی دیده می‌شوند، چنین نمی‌کردند.

شکفت‌انگیزتر، عمل نمایندگان مجلس بود که از وحشت گسترش اعتراض‌ها، لایحه‌ی بودجه سال ۹۷ را به دلایلی همچون وجود بندهای افزایش قیمت سوخت و حذف پاره‌ای ۳۰ میلیون نفر طبقات متوسط و بالا، رد کردند در حالی که پیشنهاد خود آنان به دولت بود. آنان به دلیل رأی بودند. به‌راستی اگر آنان می‌دانستند عوامل محبوبیت چیست، باز هم چنین می‌کردند؟ آنان تحت تأثیر جو رسانه‌ای و لابی‌گری‌ها هستند و حق هم دارند باشند چون مرجع روش و درست‌تری برای آگاه‌شدن وجود ندارد. اشا باید پدید آید تا همان مرجع ملی شود که امروز نیست و نیاز به آن احساس می‌شود.

بنابراین، اگر بر فرض مشکلی مانند ناخوانایی شیوهی خدمت وظیفه‌ی پسران تحصیلکرده با مقتضیات امروز جامعه، انومی و بی‌هنجاری اخلاقی گسترده، ریا و اخلاق مزارنه، فساد اداری و مواردی مانند این را مردم حس می‌کنند، باید دید دقیقاً نفوذ شدت این احزابت کجاست و برای همان‌ها، سیاست‌هایی جدی و فوری تعیین نمود و کاهش این موارد را در دستور کار قرار داد. توجه به این مسایل، گذشتن از میزان موفقیت در رفع آن‌ها، باعث می‌شود که زخم‌ها نگفته نمانند و مردم‌فریبان نتوانند تنها با بازگویی آن‌ها، رأی جمع کنند. خشم و نفرت گروه‌های مردم انجا جمع می‌شود و آتش تهیه‌ی اعتراضات براندازانه و تجمعات پوپولیستی و امثال این‌ها می‌شود که نادیده و ناگفته بماند. حرف ناگفته، زهرآگین می‌شود. گفتمان محبوبیت، با گفتن از زخم‌هایی که مردم را می‌آزارد و هم‌اندیشی در مورد آن‌ها آغاز می‌شود.

محبوبیت حکومت، تقسیم صمیمیت در یک خانواده است که حتی با وجود مشکلات شدید، با نامیدن کردن دردها، از میزان درد بر یک تن می‌کاهد. کتمان دردهاست که سرانجام به تنفر و جدایی می‌انجامد. بنابراین، همان گونه که در آغاز سخن، از افزایش شفافیت دستکاه، امید مردم و ارتباط با جهان از جاذبه‌گرآوری اطلاعات و سنجش موارد لازم، بازگویی آن‌ها، بافتگو و در مورد آن‌ها و سرانجام تلاش برای حل‌شان گفتیم، باید به کمک ابزاری، این مسیر را آغاز کرد و گام‌به‌گام، در جهت افزایش محبوبیت و کاهش سطح خشم و نفرت از حکومت در گروه‌های مختلف حرکت نمود. در چنین مسیری است که نهادسازی مدنی نیز به تدریج ممکن می‌شود.

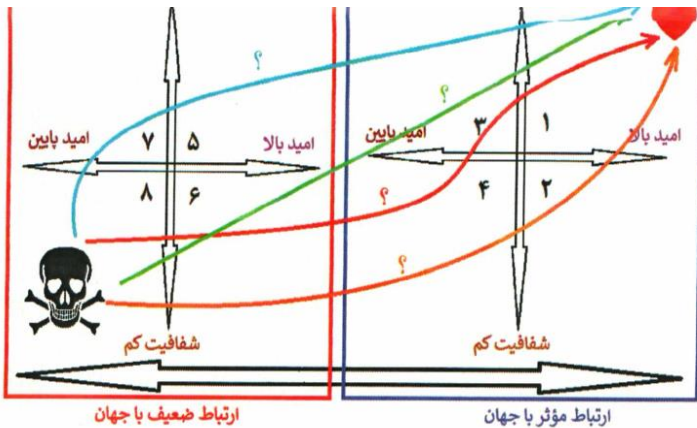
وقتی به گزارش‌ها، نظرسنجی‌ها و بررسی‌های موجود در مورد اعتراضات مختلف به حکومت در دهه‌های اخیر می‌نگریم، ناآگاهی عمیق مردم و مسؤولان نسبت به یکدیگر و ناآگاهی از ابزارهای و روش‌هایی که می‌توانستند چاره‌ساز شوند را مشاهده می‌کنیم. نه در گروه‌های معترض مردمی، آگاهی و در نتیجه درکی مهدلاند و عمیق از مشکلات معمول حکومت برای ایجاد اوضاع وجود دارد و نه در مسؤولان حکومتی، درکی روشن نسبت به دلیل خشم مردم از آنان دیده می‌شود و همین موضوع باعث می‌شود که معترضان، حکومت را جدا از خود ببینند و فاصله‌ی مردم و مسؤولان بیشتر شود و مسؤولان نیز با اشاره به ریشه‌های خارجی اعتراض‌های موجود، فراموش کنند که با بستن ناراضی‌ها نباشد، هیچ تحریک خارجی به بار نمی‌نشیند.

برای نمونه، اگر در اعتراض‌های پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ مرجعی وجود داشت که نشان دهد بخش اعظم مردم و نفرت معترضان به بی‌اطمینانی آنان به دولت مستقر و قوای نظارتی بازمی‌گردد و می‌توان با گروهی بی‌طرف، گفته‌های را تا حد زیادی کنترل کرد و نیز معلوم می‌شد که آتش این نفرت، از اساس متکی به ناهمه‌های مغلوب نیست که با مذاکره با آنان فرونشیند،

۸. سامانه‌ی اشا: دیدبانی محبوبیت

بنا به تفاسیری که گفته شد، برای سامانه‌ی اشا (امید مردم، شفافیت حکومت، ارتباط با خارج) را پیشنهاد می‌توان کرد تا امکان دیدبانی محبوبیت ممکن شود. سامانه‌ی اشا، از نگاه مبتنی بر تسهیل تحول پایین به بالا، آرون تفکر مهندسی فرهنگی سرچشمه می‌گیرد. اشا آگاهی می‌تواند باشد برای گفتگو و هدفمندتر گروه‌های سیاسی و اجتماعی، پیوند بیشتر و مشخص‌تر مردم و حکومت و مشارکت دوسویه در ایجاد توافق جامع‌تر بر آنچه محبوبیت حکومت و زمینه‌های همبستگی اجتماعی را می‌افزیند.

بنابراین، در اثر که هواره بروز می‌شود، مردم و مسؤولان می‌توانند مسیر نتایج مطالبات مطرح‌شده و اقدامات انجام‌شده را به شکلی تاریخی و ملی ببینند. در اشا، آنچه باید در کلیه‌ی درک شود و راهنمای عمل باشد، قیافه‌ی پلویی است و لازم نیست پژوهش‌های موازی و هزینه‌های کلان انجام شود. قرار نیست اشا سامانه‌ای با گردن مالان کلی باشد و جایی شود تکراری برای مباحث اداری و تعیین رئیس و مدیر و کارمندان پرمشاور و بی‌بروکراسی بی‌روح تازه. اما چگونه؟ راه‌هایی برای این کار وجود دارد. مانند همه‌ی کشورهای موفق جهان امروز در سیستم‌های پایش معیتر سیاسی و اجتماعی، باید تا جای ممکن، ارقام،



ارتباط ضعیف با جهان

ارتباط مؤثر با جهان

بررسی‌ها، توصیف‌ها، تحلیل‌ها و تفسیرهای سامانه‌ی اِشا، از آمارهای موجود جهانی یا داخلی فراهم شود یا از بخش‌های دولتی و خصوصی موجود دریافت گردد. امروز توانایی خوبی در دانشگاه‌های علوم انسانی کشور پدید آمده است که بیشتر آن به هدر می‌رود. دانشجویان تحصیلات تکمیلی با پایان‌نامه‌های پراکنده، به واقع در جریان امور ملی قرار نمی‌گیرند و به ارتباط مردم و حکومت کمک چندانی نمی‌کنند چون نمی‌توانند و بستر مناسبی نیست. دانشجویان کارشناسی نیز کمتر به پرسشگری و مطالعه و بررسی موردی گماشته می‌شوند و معمولاً در بحث‌های انتزاعی درگیر هستند. سامانه‌ی اِشا را می‌توان عمدتاً با خرد کردن پروژه‌های بزرگ سنجش و پیمایش و مطالعات کمی کیفی، حلقه‌ی وصل دانشگاه‌های علوم انسانی با حکومت نمود، آن هم نه به معنای ایدئولوژیک بلکه به معنای کارکردی و به خدمت جامعه گرفت.

افزون بر این، بسیاری از پژوهش‌هایی که در وزارت‌خانه‌ها و ادارات و حتی نهادهای تخصصی مانند مرکز آمار انجام می‌شود، به صورت اندام‌وار به یکدیگر نمی‌پیوندند و در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به‌درستی به‌کار نمی‌روند. فازهای مطالعاتی همه‌ی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کلان کشور، بسیار طولانی و پرجز است چرا که سامانه‌ی اِشا مشخصات کارکردی سامانه‌ی اِشا وجود ندارد. این سامانه به دست تعدادی کم از نیروهای خوش‌فکر و توانا و نه با اندیشه‌های اداری معمول در کشور ایجادشدنی است یعنی باید با اندیشه‌ی خرد کردن کارها و دوباره جمع‌کردن آن‌ها در پروژه‌ی ملی. این سامانه‌ی کوچک اما مهم باید مستقیماً زیر نظر بالاترین سطوح نظام و شفاف برای همه‌ی مردم باشند تا امکان نفوذ و فشار لابی‌های مختلف به حداقل برسد.

اگر سامانه‌ی اِشا با چنین وضعیتی آغاز به کار کند، در کوتاه‌مدت انتظار می‌رود

فشرده تحلیلی

ما پس از بررسی کارشناسانه و چندرشته‌ای از فضای مسائلی موجود کشور، به این نتیجه رسیدیم که با حمله به تک‌تک مسائل و با بررسی‌های علی‌معمول نمی‌توان به راه درستی برای مقابله با آن‌ها رسید و راحل‌های ناکام گذشته تکرار خواهد شد. باید به گونه‌ای پیش‌دستانه با مسائلی روبه‌رو شد و آن‌ها را در جایی پیش از مشکل‌ساز شدن در سطح خیابان‌ها، در ذهن مردم و مسؤولان حل کرد. پیشنهاد دادیم که با دیدبانی محبوبیت در سامانه‌ی اِشا، دیپلماسی برای پیدایش گفتمان محبوبیت ایجاد گردد. این سامانه، تحت نظر عده‌ای محدود از متخصصان بین‌رشته‌ای تحت نظر سطوح عالی نظام اداری می‌شود

سامانه‌ی اِشا، سامانه‌ای ارتباطی است مبتنی بر مدیریت توزیع پژوهش‌ها، مطالعات و استفاده‌ی مستمر از برخی شاخص‌های تحت سنجش که با استفاده از ظرفیت‌های نهادی و سازمانی موجود در کشور پدید می‌آید. اِشا پروژه‌ای کلان‌نگر و ملی اما منقطع و کوچک‌مقیاس است که قرار است خرد شود و هزینه‌ای چندان به بار نیاورد و ستادی بزرگ با روند بروکراتیک جدید نباشد اما نقطه‌ای مرجع گزارش‌دهی میزان امید مردم به حکومت، شفافیت حکومت و ارتباطات خارجی آن در ابعاد مختلف باشد که اطلاعاتی طولی و غنی را نظام‌مند می‌سازد، پایگانی می‌کند و به‌سادگی در دسترس همگان قرار می‌دهد.

سیر تبدیل این کار نهادین به کنش‌های درونی مردم و گفتمان‌سازی در طول زمان، به اختصار مورد اشاره قرار گرفت. نتیجه این که انتظار می‌رود اجرای چنین پروژه‌ای که طرح مفهومی آن در اینجا عنوان شد، به مستندتر شدن مباحثات ملی در کوتاه‌مدت، مطالبه‌محور شدن اعتراض‌های مردمی و اقدامات مؤثرتر مسؤولان حکومتی در میان‌مدت، امکان‌پذیر شدن مقایسه‌ی مستمر دولت و سرتاجام، برآوردن گفتمان محبوبیت در بلندمدت بینجامد.